ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

درود به خاطرهٔ تابناك شهیدان

روز ۱٤ بهمن ، روز شهادت دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران ، روز یاد کرد از خاطرهٔ گرامی و تابناك شهیدان حزب و جنبش است . باین مناسبت از قهرمانانی که برای تأمین آزادی و استقلال کشور خویش مرگ را پذیرا شدند یاد کنیم و با الهام از این قهرمانان شهید ، مبارزهٔ خود را علیه تسلط امپریالیسم و ارتجاع فزونی بخشیم . بیادزندانیان سیاسی اعم از توده ای و غیر توده ای که در چنگال دژخیمان اسیرند باشیم و همهٔ امکانات خویش را برای یاری رساندن به خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی بکار اندازیم :

دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

اظهاریه هیئت اجرائیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در بارهٔ

خرید هنگفت تازه اسلحه از امریکا

موافق اطلاع رسمی منتشره درواشنگتن، که یك سلسله از خبرگزاریهای خارجی نیز آنرا انتشار داده اند، دولت ایران دست به اقدام تازه ای در جهت خرید مقادیر هنگفت و بیسابقه ای اسلحه زده است . این اطلاع حاکی است که ایران بنا بر اظهار محافل وزارت جنگ امریکا ببلغ دومیلیارد وصدمیلیون دلار و بنا باظهار محافل سنای امریکا بمبلغ سه میلیارد دلار اسلحه از ایالات متحده امریکا خریداری کرده است و تعداد ۳۰۰ متخصص امریکائی بنا بر خواست شاه ایران برای آموختن کاربرد این اسلحه در ماههای آینده بایران میآیند. مقامات رسمی وزارت جنگ امریکا گفته اند که این بزرگترین معامله یکباره اسلحه است که بنتائج تاکنون انجام داده است . دولت در بارهٔ این واقعه سکوت کرده است زیرا خود میداند که این عمل ضد مصالح ملی چه اندازه میتواند خشم عمومی را بر انگیزد .

مبلغ دو میلیارد و صد میلیون دلار یك رقم نجومی است و برای اقتصاد ایران اهمیت فوق العاده و حیاتی دارد. کافی است بعنوان مثال بگوئیم که با این رقم ایران میتوانست هفت کارخانهٔ عظیم ذوب آهن درعرض چندسال تأسیس کند . کافی است بگوئیم که این رقم بیش از چهار برابر کل بودجه سالانه وزارت آموزش و پرورش ماست یعنی در واقع بودجه چهار ساله آموزش و پرورش کشوری که بیش از همه به دبستان و کودکستان وآموزگار و کتاب ومبارزه با بی سوادی نیازمند است، با یك چرخش قلم بپای سوداگران اسلحه امریکائی ریخته میشود . امپریالیسم امریکا میخواهد اسلحه خود را بفروشد وبار بحران اقتصادی و کسری موازنهٔ پرداختها و بازرگانی خارجی خود را بدوش دیگران بیاندازد . هیئت حاکمه ایران در این امر یار و مدد کار اوست . چندی پیش ژزف سیسکو معاون وزارت امور خارجهٔ امریکا در مقابل کنگره این کشور گفت که ایران و عربستان سعودی باید با خرید اسلحه به اقتصاد امریکا کمك کنند . ما اکنون با اجراء نوبتی این نقشه ازطرف دولت ایران روبرو هستیم .

نظیر چنین خرید کلانی ، البته بمیزان محدودتر، سال گذشته از انگلستان بعمل آمد. روزنامه انگلیسی دیلی اکسپرس در شمارهٔ ۱۵ ژوئن ۱۹۷۲ خود نوشت که ارادهٔ شاه ایران برآن قرار گرفته است که ایران طی دهسال آینده بهترین مشتری بریتانیا برای خرید اسلحه باشد .

قبول این تعهدات ضد ملی و اجراء آنها وارد کردن ضربات سنگین باقتصاد کشوری در حال رشد است که بهیچوجه نیازی به انبار کردن سلاح امریکائی و اصولا دست زدن به سیاست جنون آمیز تسلیحات و تشدید نظامیگری ندارد .

دولت ایران میخواهد این اقدام را بوسیلهٔ دعاوی مجهول و بی پایه در باره اینکه گویا خطری ایران را تهدید میکند و گویا ایران باید رسالت خاصی را در این منطقه انجام دهد توجیه کند . این توجیهات سرا پا بی معنی است .در جهان کنونی که بسوی صلح و همزیستی میرود هیچ خطری ایران را جز غارتگری امپریالیستی تهدید نمیکند . بر عکس وموافق شهادت واقعیات این مرتجعترین محافل هیئت حاکمه ایرانند که میخواهند

دنباله در صفحه ۳

صد و بیست پنج سال

از انتشار مانیفست می گذرد

در ماه فوریه صد و بیست و پنج سال از انتشار «مانیفست حزب کمونیست» نوشته بنیاد گذاران بزرگ سوسیالیسم علمی، مارکس و انگلس میگذرد . تاریخ این صد وبیست و پنج سال نشان میدهد که «شبح» کمونیسم که بگفته مارکس و انگلس در آن دوران که گاه در صحنه اروپا ظاهر میشد ، اینك به پهلوان بهادر و نیرومندی مبدل شده است که بیش از پیش نقش قاطعی درتاریخ ایفا میکند و «اتحاد مقدس» نیروهای ارتجاعی ازمحو آن بکلی عاجز و نومید شده اند .

«مانیفست حزب کمونیست» کتاب بالینی نسلهای مختلف انقلابیون عصر ما و مهمترین اثر انقلابی تاریخ انسانیت است که نقشی شگرف در تحول عقول و قلوب بازی کرده است . پیش بینی‌های داهیانه این کتاب بوقوع پیوسته و بوقوع می پیوندد . بورژوازی هزارها کتاب در رد احکام علمی این اثر کوچك ولی دورانساز نوشته است که آخرین آنها «مانیفست غیر کمونیستی» والت ویتمن رستو اقتصاددان امریکائی است ولی هنوز چندسالی نگذشت که این آثار سفسطه آمیز و دروغ آگین فراموش شد ولی «مانیفست» پا برجا است و بیش از پیش مبدرخشد و خواهد درخشید .

دو اصل مهم که در مانیفست بیان و مستدل شده ، یکی عبارت است از «روش انقلابی» و دیگری «انترناسیونالیسم» .

روش انقلابی یعنی هدفهای نهائی طبقه کارگر را (که محو استثمار انسان از انسان است) مقصد نبرد قرار دادن و به رفرمها و اصلاحات محدود وتنگ میدان بسنده نکردن. روش انقلابی یعنی با پیگیری، تشکل، انضباط، سرسختی ، جسارت این هدف را در رزمهای مختلف دنبال کردن و به انحرافات چپ و ماجراجویانه و راست و تسلیم طلبانه ، تن در ندادن .

اما انترناسیونالیسم که مارکس وانگلس آنرا درشمار «رنجبران جهان یگانه شوید!» بیان داشته اند در نقطه مقابل تنگ نظری و محدودیت و عزلت جوئی ناسیونالیستی بورژوائی است . انترناسیونالیسم یعنی مبارزه نه تنها برای خلق خویش، بلکه برای همهٔ انسانیت، احساس مسئولیت نه تنها در باره طبقه کارگر کشور خود ، بلکه در مقابل طبقهٔ کارگر همهٔ کشورها، احترام به حقوق همهٔ طبقات زحمتکش و همهٔ خلقهای ستمدیدهٔ جهان .

بورژوازی اتفاقاً نسبت باین دو اصل انقلابی بودن و انترناسیونالیست بودن در تمام حیات خود دشمنی و کینهٔ سوزان ورزیده و کماکان با این دو اصل با تمام هاری و درندگی مبارزه میکند ، ولی بیفایده است . حقیقت راه خود را به پیش میگشاید .

مارکس و انگلس در مانیفست اصل اتحاد کلیه نیروهای خواستار سوسیالیسم و رهائی از اسارت سرمایه را یاد آور شده‌اند. اصلی که در دوران ما اهمیت شگرفی کسب کرده است و در عین حال انواع سوسیالیسم غیر پرولتاری و از آنجمله سوسیالیسم خورده بورژوائی را که میخواست نظام صنفی را در ده و نظام پدر سالاری را در کارخانه‌ها پدید آورد افشا نموده‌اند . این شعارها نیز امروزه اهمیت و فعلیت خود را حفظ کرده است، زیرا سفسطه در معنای سوسیالیسم و ایجاد الگوهائی از نوع «سوسیالیسم با اقتصاد بازار» ، «سوسیالیسم با چهره انسانی» ، «سوسیالیسم سرباز خانه ای» که در آن سکاندار کبیر ارادهٔ خود را بر اتباع مطیع تحمیل میکند وانواع دیگر، در زمان‌ما رائج است . سوسیالیسم بمعنای علمی این کلمه و بعنوان فاز اول جامعه کمونیستی ، از رشد پرتوان نیروهای مولده ، از ایجاد سطح عالی رفاه عمومی ، از گسترش نیرومند دانش و هنر، ازبسط دمکراسی سوسیالیستی ،از تعقیب سیاست صلح و همزیستی جدا نیست .

«مانیفست» از نخستین کتبی بود که بوسیله مارکسیستهای ایرانی در سالهای ۲۰

دنباله در صفحه ۳

نویسندگان ماهنامه «مردم» جشن باستانی نوروز ، جشن آغاز رستاخیز بهاری ، جشن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاك ستمگر را که از سنن دیرین و پر مضمون مردم کشور ما است بهمه خوانندگان گرامی و هم میهنان عزیز شاد باش میگویند و پیشرفت روز افزون آنانرا در نبرد بخاطر صلح ، دمکراسی ، ترقی ورفاه عمومی از صمیم قلب خواستارند .

تضاد های اردوگـــاه امپریالیسم شدید تر می شود

افق هـــای تـــازه ای برای مبـــارزه و پیـــروزی خلق هـــا گشاده میگـــردد

تضاد هـــای جهان سرمایه داری

در جهان کنونی سه رشته تضاد اصلی گرم تأثیر است :

اول تضاد بین کار و سرمایه که خود بدو شکل عمده بروز میکند : بشکل تضاد ما بین کشورهای سوسیالیستی و کشور های امپریالیستی و نیز بشکل تضاد بین جنبشهای انقلابی کارگری کشور هـــای سرمایه داری و بورژوازی این کشور ها ؛

دوم تضاد بین کشو های امپریالیستی و جنبش رهائی بخش و ضد امپریالیستی جهان سوم که آن نیز در دوران ما اشکال مشخص گوناگونی بخود گرفته است ؛

سوم تضاد بین خود کشور ها وانحصار های امپریالیستی .

در میان این سه رشته تضاد ، تضادعمده تضاد کاروسرمایه است که بویژه بصورت تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم بروز میکند .

مارکسیستها همیشه بر آن بودند که این سه رشته تضاد که در میان خود پیوند و تأثیر متقابل دیالکتیکی دارند ، تحول حوادث تاریخ را در جهت رهائی کار از سرمایه ، رهائی خلقهای ستمدیده از بند استعمار و نو استعمار و فروریختن سیستم ستمگرانه امپریالیستی ، تعیین میکنند . حوادث کلا و تماماً صحت این احکام را تأیید کرده است .

در دوران پس از جنگ دوم جهانی ، جهان امپریالیستی بسرکردگی امپریالیسم ثروتمند و متفرعن امریکا تصور کـــرد که توانسته است کلید معجز آسای نجات خـــود را از بحران بیابد و بویژه تضاد های درونی خود را حل کند . سردمداران امپریالیسم جهانی از قبیل چرچیل و جان فوستر دالس کوشیدند تا جهان امپریالیستی‌را در زیر پرچم آنتی کمونیسم گرد آورند و مدعی شدند که گویا «تمدن مسیحی غرب» و « وجوه مشترك کشور هـــای ساحل اقیانوس اطلس (آتلانتیسم)»، مبنای واقعی و عینی برای اتحاد پایدار این کشور هاست . روشن است که همهٔ اینها لفاظی برای فریب خوشباوران بود. در واقع اصل مطلب بر سر آن بود که امپریالیسم دلار میخواست با استفاده ازضعف حریفان دیگر امپریالیستی خود که، در نتیجهٔ جنگ دوم جهانی روی داده بود، تسلط خویش را برجهان برقرار کند. امپریالیسم انگلستان در این زمینه ، بشوق نجات «امپراطوری» فرتوت ، نزدیکترین متحد او بود. کار بجائی رسید که دالس سیاست تبعیت از امریکا را تنها محور قضاوت شمرد و حتی روش بیطرفی را «مخالف اخلاق» خـــواند و صحبت «حکومت جهانی» که امریکا می‌بایست در آن نقش قاطع را ایفا کند بمیان آمد. همان طور کـــه امپراطوران آزمند روم قـــدیم بـــا آتش و شمشیر باصطلاح « صلح رومی » (پاکسا روماناا) دائر کرده بودند، امریکا نیز میخواست «صلح امریکائی» (پاکسامریکانا) در جهان دائر سازد یعنی جهانی که در بست در زنجیر دلار است ! دالس با پیش کشیدن استراتژی «قصاص متراکم آتمیك» و «شانتاژ اتمی» و با اتخاذ سیاست «بازی بر لبه پرتگاه جنگ» میخواست کمونیسم را باصطلاح «به عقب بغلطاند» . یادعای ایدئولوگهای امپریالیستی امریکا ، کمونیسم کـــه گویا یك سیر ناپهنجار و غیر نورمـــال در رشد طبیعی انسانی است ،میبایست در حلقهٔ محاصرهٔ «جنگ سرد» ازمیان برود وجهانیان به «شیوهٔ زندگی امریکائی» روی آورند ! چنین بود رؤیاهای طلائی امپریالیسم امریکا برای تأمین وحدت درونی جهان سرمایه داری در زیر پرچم دلار !

امروز از این رؤیاها ویرانه های رقت انگیزی بر جای مانده است . گـــر چه رؤیـــا بافان آنرا ترك نکرده اند و کماکان تقلای خود را ادامه میدهند ، ولی محافل واقع بین تر کشور های سرمایه داری بی دور نمائی این نوع تقلا ها را کمابیش درك میکنند .

مرحله کنونی بحران عمومی سرمایه داری

سیستم سرمایه داری جهانی مدتهاست دچار یك بحران عمومی است که نه فقط عرصهٔ اقتصاد ، بلکه عرصهٔ سیاست را هم در بر میگیرد. بحران عمومی سرمایه‌داری ازجنگ اول جهانی شروع شده و یکی از نتائج مهم مرحلهٔ اول آن انقلاب سوسیالیستی اکتبر و تشکیل حکومت شوروی ، نخستین دولت سوسیالیستی جهان بود. مرحله دوم این‌بحران با جنگ دوم جهانی آغاز میگردد که منجر به شکست فاشیسم و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی گردید . مرحله سوم این بحران بدون جنگ در سالهای پنجاه آغاز شد که منجر به فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی و پیدایش یك رشته کشور هـــای نو استقلال در آسیا و افـــریقا و امریکای لاتین گردید . این مرحله کماکان ادامه دارد و بحران عمومی تعمیق میشود .

ایدئولوگـــهای امپریالیستی در دوران پس از جنگ دوم جهانی اعلام داشتند که توانسته اند راز غلبه بر بحرانهـــای اقتصادی سرمایه داری را بیابند و دیگر قادرند اقتصاد بی بحـــران ، جامعه اشتغال کامل و رشد اقتصادی مستمر را تأمین کنند. برخی موفقیت های اولیه در دهه پنجاه و نیمه اول دهه شصت که خود ناشی از رفع مشکلات و ویرانیهای پس از جنگ و استفاده از دستاورد هـــای انقلاب علمی و فنی بود، آنها را بکلی گیج و پر مدعـــا و از خود راضی ساخت . امروز خواندن ادعاهای ظفرمندانه آنروزی سیاست مداران و ایدئولوگـــهای سرمایه داری مـــایه خنده است .

مارکسیست ـ لنینیستها از همان‌سالهای اول پس از جنگ دوم جهانی بعیان میدیدند که «تثبیت» سیاسی ـ اقتصادی سرمایه‌داری کاملا موقت است و ناشی از آنست که موقتاً رقبائی مانند آلمان و ژاپن در اثر شکست تضعیف شده و ازصحنه رقابت خارج شده اند و اروپای غربی و ژاپن به «جیره خـــوار» امپریالیسم دلار مبدل گـــردیده اند . از نیمهٔ دوم سالهـــای ۶۰ ، بحران اقتصادی سرمـــایه داری بصورت تورم مـــزمن ، تزلزل ارزی ، ترقی سرسام آور قیمت هـــا ، بسط بیکاری ، مشکلات‌به بازار یابی وجنگ بازرگـــانی بین امپریالیستها با حـــدتی بیش از گـــذشته بروز کرد . «وحدت» نیم بند دالسی دوران پس از جنگ ازهم پاشید . فرانسه، ژاپن، کانادا، آلمان غربی و دیگر کشور های امپریالیستی غـــرب بتدریج بـــرای صف آرائی در مقابل رقابت امپریالیسم امریکا آماده شدند . تضاد های داخلی اردوگـــاه امپریالیستی باشدت بی سابقه ای منفجر شد .

تضاد اردوگـــاه امپریالیستی اشکال و انگیزه های آن

تضاد اردوگـــاه امپریالیستی بصورت تضاد بین کشور های امپریالیستی (و اکنون بطور عمده بین امپریالیسم امریکا و بازار مشترك اروپای غربی و ژاپن) تضاد دردرون کشور های امپریالیستی (ما بین گروههای مختلف انحصار هـــا و گروه بندیهای سیاسی وابسته باین انحصار ها) ونیز تضاد بین سرمایه داری کشور های در حال رشد که وابسته به سیستم امپریالیستی است و سرمایه‌داری‌امپریالیستی بر سر تقسیم محصولات غـــارت ، بروز میکند .

انگیزه اساسی بروز و شدت نوبتی‌این تضاد ها ، همـــان قانون عـــام ناموزونی رشد سرمایه داری و درنتیجه حاد شدن مسئله بازار فروش کالا و سرمایه گذاری است . در نتیجه انفکاك یك سلسله از کشور های سرمایه داری پس از جنگهای اول و دوم جهانی از سیستم جهانی سرمایه داری و تبدیل آنها به کشور های سوسیالیستی ، بازار جهان شمول سرمایه‌داری ازمیان رفت وعرصه آن‌بازاری هم که در اختیار سرمـــایه داری باقی ماند تنگتر شده است .

در نتیجه فـــروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی پس از جنگ دوم جهـــانی ، با آنکه امپریالیسم با تمام قـــوا کوشیده و میکوشد تا این کشور ها را کماکان درزیر ربقهٔ اقتصادی خویش نگاه دارد ، بهر جهت رشد اقتصادی این کشور ها در امر تنگـــتر شدن بازار جهـــانی امپریالیستی تأثیر داشته است و دارد . امپریالیسم میکوشید تا بطور عـــمده از سه راه مسئله بازار را در دوران پس از دومین جنگ جهانی برای خـــود حل کند :

۱ ـ از راه نظامی کردن اقتصاد ، گذراندن بودجه‌های سرسام آور نجومی‌برای ارتش و تسلیحات ، ایجـــاد مصنوعی محیط وخامت بین المللی و جنگهـــای محلی برای توجیه این عمل و بکار بردن این تسلیحات . ارتش و تسلیحات روز افزون میبایست مانـــع این شود که بخشی از صنایع در اثر نداشتن بازار بخوابد یا از سطح تولید خود بکاهد و میبایست‌به‌دولت امکان دهدتا با ستاندن مالیات ازمردم ، سفارشهای کلان به کنسرنهای اسلحه و دیگر رشته‌های صنایع سرمایه‌داری بدهد .

۲ ـ از راه استفاده از دستاورد هـــای علمی و فنی و ایجاد کالا های تازه و توسعه بازار داخلی جهان سرمایه داری (باصطلاح «انفجـــار مصرف») بوسیله رفرمهـــا و نیز استفاده وسیع از شیوه سرمایه داری ر کلام. در این زمینهٔ سرمایه داری همه نوع کالا ، حتی «هروئین» ، «کالاهای جاسوسی» و «کالا های سکس» را نیز ببازار آورد .

۳ ـ از راه هم پیوندی اقتصادی‌سرمایه داری (انتگراسیون) و استفاده متقابل وجمعی از بازار های جهـــان امپریالیستی و «جهـــان سوم» . امپریالیسم میکوشد کشورهای«جهان سوم» را که راه رشد سرمایه داری‌در پیش گرفته‌اند به چنبرهٔ این هم پیوندی امپریالیستی بکشاند .

در واقع باید گفت که ابتکاری باقی نماند که در این عرصه از طرف سرمایه‌داران بکار نرود، ولی همه این ابتکارات و تقلاهای رنگا رنگ دوران پس از جنگ نتوانست سرمایه داری را از بروز بحران نجات دهد . روزنامه فرانسوی «اکو» سخنگوی محافل مالی و سرمایه داری فـــرانسه اخیراً بدرستی نوشت : «دوران ماستمالی ها و وصله کاری شکافها دیگر گـــذشته است . دوران زلزله های بزرگ فرا رسیده است .»

برخی واقعیات در بارهٔ بحران کنونی

چنانکه گفتیم محتوی اساسی بحران اقتصادی کنونی که بصورت بحران ارزی تظاهر کرده است مسئله بازار و جنگ حاد بازرگانی است که بین کشورهای امپریالیستی میگذرد. مطلب از اینجا آغاز میگردد که سهم ایالات‌متحده امریکا در بازرگانی‌جهانی بشدت تنزل یافته و حال آنکه سهم رقباء مهمی از قبیل آلمان غربی وژاپن بالا رفته است. در سال ۱۹۶۵ امریکا ۵ر۱۶درصد بازرگانی جهانی را در دست داشت . درسال ۱۹۷۲ ایـــن رقم به ۸ر۱۳ درصـــد رسیده است . وحال آنکه در ۱۹۶۵ ، آلمان‌غربی و ژاپن بترتیب ۹ر۱۰و۱ر۵ بازرگانی‌جهانی را داشتند . و در سال ۱۹۷۲ این ارقام بترتیب به ۱۳ و ۱ر۸ رسیده است . معنی این سخن آنست که امریکا چند سال پیش از جهت بازرگانی خارجی اضافه ای برابر با ۲ر۵ میلیارد دلار داشت و اکنون کسری وی از بابت بازرگانی به ۴ر۶ میلیارد دلار میرسد . امریکا برای آنکه از فرار دلار و تعمیق عدم موازنه بازرگانی خارجی خود جلوگیری کند‌درعرض ۱۴ ماه دوبارمجبور به دستکاری‌درنرخ‌دلارشد.یکباردردسامبر ۱۹۷۱ و بار دیگر در فوریه ۱۹۷۳ ، انگلستان نیز در ژوئن۱۹۷۲ مجبور شد نرخ لیره راپائین بیاورد . این اقدامات امریکا برای مقابله بهتر با آلمان غربی و ژاپن و دیگر رقیبان جهان

دنباله در صفحه مقابل

امپریالیستی است که با استفاده از سد های گمرکی و کار ارزان برقدرت رقابت آزمائی خود افزوده‌اند و حتی در داخل ایالات‌متحدهٔ امریکا نیز رقبای خطرناکی برای کالای امریکائی شده اند. کافی است یادآور شویم که ژاپن سی‌درصد کالاهای خود را به‌امریکا صادر میکند. امپریالیسم امریکا میخواهد با ارزان کردن نسبی کالا های خود در بازار جهانی، با ایجاد موانع گمرکی در مقابل کالاهای وارداتی از ژاپن و بازار مشترك و کانادا، جای کهنه خود را در بازرگانی خارجی بدست آورد، از کسری موازنه پرداختها جلوگیری کند. رقباء نیز بیکار ننشسته‌اند و با آنکه در قبال رقیب قوی تر و درنده‌تر مجبور به عقب نشینی هائی میشوند، مسلماً مبارزه را با قدرت بیشتردنبال خواهند کرد. اگر این رقباءدیروز از مواضع ضعیف‌تراقتصاد بناچار به‌امپریالیسم قدرقدرت دلار حمله برده‌اند، امروز از مواضع‌بمراتب قوی‌تر راه تسلیم‌راطی نخواهند کرد. اکنون تولید صنعتی در کشورهای بازار مشترك‌برابر ۸۵ در صدامریکاست. جنگ بیخون‌اقتصادی بین مهمترین کشور های امپریالیستی، بنا به پیش بینی حتی خوش بینترین مفسران کشور های امپریالیستی تازه آغاز شده و در آینده شدت بیشتری‌خواهد یافت.

امپریالیستها میکوشند تا بحران‌خود را بحساب زحمتکشان خود و خلقهای ستمدیده جهان حل کنند، بر غارتگری بیفزایند، بهای کالاها را باز هم بالاتر ببرند، مزدها را منجمد سازند، مبارزات اعتصابی را سرکوب کنند و غیره و غیره. ولی همهٔ اینها امپریالیستها را بیشتر در سراشیب فرو خواهد برد.

تب و لرز امپریالیسم درجهانی میگذرد که کشورهای سوسیالیستی با سرعت در جادهٔ اعتلاء اقتصادی و فرهنگی، علمی و هنری پیش میروند و کشور های «جهان سوم»، بویژه آنانکه راه رشد ملی و دمکراتیکی در پیش گرفته‌اند، بیش ازپیش خود را از زنجیر رقیت اقتصادی و سیاسی امپریالیستی رها میسازند و جنبش کارگری و انقلابی داخل کشورهای‌سرمایه‌داری به موفقیت‌های تازه‌ای دست می‌یابد، عقل زیادی لازم نیست که سرانجام این روندهای بی‌امان تاریخ راحدس بزنیم.

تردیدی نیست که‌امپریالیستها ازاسلوبها و مقاصد خود دست بردار نیستند. نیز تردید نیست که روشنفکران خود فروخته باز هم «تئوریهای» تازه خواهند یافت و خواهند بافت و احیاناً «مسکن» های تازه ای هم بدست خواهندآورد ولی سیری که تمام تاریخ سرمایه‌داری حاکی از آنست با ناگزیری به طرف نتائج جبری خود ادامه خواهد یافت.

افق های تازه‌ای گشوده میشود

تضادهای عمیق کشورهای امپریالیستی که حتی منجر به تقسیم اردوگاه بورژوازی و مقابله گروهها و دسته‌های مختلف آن با هم شده است، همیشه امکان داده است که مبارزات خلق بمرحلهٔ تازه‌تر و عالی‌تر وارد شود. باصطلاح لنین سیل جنبش همیشه در داخل این شکاف ها میریزد و از آن برای پیشرفت خود استفاده میکند.

تشدید تضاد های امپریالیسم، در تغییر مستمر تناسب‌نیروهای جهانی‌بسود سوسیالیسم صلح ورهائی ملی وبزیان امپریالیسم، جنگ، استعمار و استعمار نوین این تأثیر را دارد که این تغییر را محسوس تر وسریع‌تر می کند. در واقع نیز یکی از عوامل مهم عقب نشینی اجباری کشورهای امپریالیستی از مواضع «جنگ سرد» همین حاد شدن رقابتهای درونی آنها وبر هم خوردن‌اتحاد عمل دوران گذشته و نیازمندی آنها به استقرار روابط عادی با کشورهای سوسیالیستی است.

یك سلسله حوادث مهم سالهای اخیر مانند قراردادهای بین آلمان غربی از طرفی و شوروی و لهستان و جمهوری دمکراتیك آلمان از طرف دیگر وبرسمیت شناختن این جمهوری(که وجودش دائماًازجانب‌امپریالیسم انکار میشد) از طرف یك سلسله از کشور های سرمایه‌داری، سقوط حکومت دیکتاتوری نظامی یحیی‌خان وتشکیل جمهوری‌بنگلادش و تحولات در پاکستان، خاتمه یافتن جنگ خونین و پلید و بربر منشانه امپریالیسم امریکا در ویتنام و لائوس و پیروزی درخشان مردم هندوچین بر امپریالیسم امریکا که از اهم حوادث‌دوران‌اخیراست، مذاکرات «دیپولی» در فنلاند برای تشکیل «کنفرانس امنیت اروپا»، مذاکرات جاری‌در وین و هلسینکی برای تحدید تسلیحات، موفقیتهای چشم گیر جنبشهای مترقی و ضد امپریالیستی در یك سلسله از کشورهای امریکای لاتین (شیلی، پرو و نیز تاحدی در پاناما، اکوادور، اورو گوئه)، بالا رفتن مقاومت خلقهادر مقابل کارتل بین‌المللی نفت که از جمله بصورت ملی کردن صنایع نفت در جمهوری عراق بروز کرده است و غیره و غیره همه و همه نمودار آنست که جهان از زمستان طولانی «جنگ سرد» خارج میشود و دوران برف گداز، دوران سیر بطرف همزیستی مسالمت آمیز فرا رسیده وامپریالیسم مجبور شده‌است که باین‌واقعیت‌ها علی‌رغم خویش تن دردهد.

امپریالیسم، چنانکه سرشت متجاوز، آزمند وارتجاعی اوست، با تمام قوا، آشکارا و نهان سعی خواهد کرد تا این جریان را تخریب کند و آنرا در مجرای دلبخواه خود بیاندازد. این نوع تقلاها شاید بتوانند از جهت موضعی و زمانی اینجا و آنجا به‌نتیجه های موقت‌نیز برسند. ولی آنچه که با اطمینان صد در صد میتوان گفت آنست که نه فقط جنگ گرم امپریالیسم علیه خلقها شکست خورد، «جنگ سرد» نیز با شکست فاحش رو برو شده است ودوران صلح درکارشروع است.

امپریالیستهادر اقدامات تخریبی خود علیه‌صلح و همزیستی و رفع وخامت بین‌المللی اکنون سخت به سیاست ناسیونالیستی وسیطره‌جویانه رهبران چین و مشی ضد شوروی خشن آنها دل بسته‌اند. در واقع رهبران چین در گفتار وکردار باین‌امیدهای امپریالیستی غذای کافی میدهند.

دنباله ازصفحه ۱

خرید هنگفت تازه اسلحه از امریکا

در نقشه‌های‌نظامی و استراتژیك امپریالیستی، برای حفظ منافع آنها، برای کمك به‌رژیمهای ارتجاعی، برای سر کوب جنبش‌مردم ایران و نهضتهای آزادیبخش منطقه نقش‌داشته‌باشند.

اصل مسئله در اینجا است که چنانکه عمل دولت طی سالهای اخیر بارها نشان داده است، ایران بخش‌متنابهی از عواید نفت‌خود را در اختیار سوداگران اسلحه که بنا به تصریح مطبوعات امریکا بویژه پس از خاتمه جنگ ویتنام بیش از پیش دچار تنگی بازار فروش میشوند، قرار میدهد. طبیعی است که خود هیئت حاکمه با دریافت حق‌العمل کلان در غارتگری مشترك از مردم ایران شرکت مؤثر دارد.

حزب توده ایران با اعتماد به اینکه امپریالیستها خواهند کوشید تا تناقضات درونی خود را تخفیف دهندومانند دوران «جنگ سرد» با بر پا داشتن پرچم پوسیده و رسوا شده «آنتی کمونیسم» و «آنتی سوییتیسم» نیروهای ارتجاعی‌را«متحدسازند». امپریالیستها خواهند کوشید تا با استفاده از احساسات ناسیونالیستی که یکی از ایده‌ئولوگهای امپریالیسم امریکا برژینسکی آنرا «قویترین عاطفه دوران ما» نامیده است در میان کشورهای سوسیالیستی و نیز در میان کشورهای اردوگاه ضد امپریالیستی مصنوعاً تفرقه ونفاق بیافکنند و آنها را تضعیف کنند.

در درون جنبش رهائی بخش کشورما نیز تلاشهای تخریبی امپریالیستی و مائوئیستی مسلماً انعکاس خواهد یافت.

این حقایق حاکی از آنست که راه پر از فراز و نشیب و دشواری در پیش‌است و هنوز مساعی‌ومجاهدات فراوانی لازم است تا صلح پایداری در جهان تأمین گردد. ولی در دوران ما افقهای تازه ای در برابر خلقها گشوده میشود وامکانات خلقها برای مبارزه دو چندان میگردد. زیرا اگرخصیصه دوران «جنگ سرد» وسعت امکانات امپریالیستها،بویژه امپریالیسم‌دلاربرای‌استقرار «نظم» خود بسود سرمایه‌داران و ملاکان بود، خصیصهٔ دوران کنونی وسعت روزافزون امکانات نیروهای سوسیالیستی و مترقی برای کمك به جنبشهای انقلابی و رهائی بخش، برای عقب زدن نیروهای ارتجاعی، برای یاری رساندن‌مؤثرتر به صلح‌ودمکراسی است. یك مطلب مسلم است و آن پایان مثبت این مساعی و مجاهدات است.

حزب ما تمام سیاست خود را بر درك صحیح وضع جهان و ایران مبتنی کرده‌است وبا استواری بر اساس این مشی علماً تنظیم شده گام برمیدارد و بی آنکه پندار باطلی در باره یك سیر آسان و آرام و بی رنج داشته باشد، به پیروزی نهائی آرمانهای‌خود باوری چون کوه استوار دارد و برآنست که مبارزه همه جانبه و پیگیر مردم ایران میتواند در این دوران امپریالیسم و ارتجاع را با ناکامی روبرو کند و استقلال و دمکراسی‌را تأمین نماید.

ا. سپهر

دنباله از صفحه ۱

صد و بیست و پنج سال از انتشار مانیفست میگذرد

و ۳۰ قرن حاضر ترجمه شد. حزب ما نیز به ایجاد ترجمه های تازه ای از مانیفست‌دست زد. این کتاب در تربیت نسلهای مختلف انقلابیون ایران نقش شایسته خود را ایفا کرده است. احکام مانیفست اکنون نیز سر رشته های مهمی برای تحلیل جامعه سرمایه داری ایران وتعیین وظائف پرولتاریای کشور ما بدست میدهد.

امروز پس از ۱۲۵ سال از همیشه روشن تر است که اندیشه های بزرگ مانیفست بشکل نهائی در تاریخ پیروز خواهد شد. اردوگاه سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی، جنبش انقلابی کارگری، جنبش رهائی بخش ملی، جنبش عظیم نیروهای مترقی و صلح در جهان ما دمبدم بکامیابیهای تازه بتازه میرسند و جادهٔ عدالت بسود اکثریت بشریت بیش از پیش هموار میگردد.

س.

رادیو پیك ایران را بشنوید!

رادیو پیك ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزبانهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداًتکرار میگردد.

رادیو پیك ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

شماره حساب بانکی پیك ایران، ماهنامهٔ مردم، مجلهٔ دنیا، مجلهٔ مسائل بین المللی و مجلهٔ پیکار بشرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

قاطبهٔ مردم ایران این سیاست‌را طرد ومحکوم میکند، باین روش که مخالف صریح مصالح ملی ماست بشدت اعتراض دارد وازهموطنان عزیز دعوت میکند بهر نحو که میتوانند عدم رضایت و اعتراض خود را ابراز دارند. و در مقابل این سیاست با تمام قوا مقاومت ورزند. باید دستهای غارتگر را باز داشت و الا غارت دوگانه از منابع نفت و از راه خرید اسلحه رمقی برای کشوری که نیاز به پیشرفت دارد باقی نخواهد گذاشت ومشکلات ما را باز هم بیشتر خواهد کرد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب تودهٔ ایران
۱۰ اسفند ۱۳۵۱

با سری افراخته در برابر تاریخ

از چندی باینطرف در دستگاه تبلیغاتی رژیم و از آنجمله رادیو ایران حملات مکرری به حزب توده ایران انجام میگیرد. این حملات در دوران اخیر بدنبال اظهارات شاه انجام گرفته که در سوم بهمن ماه سال جاری ضمن بیانات خویش در مجمعی بنام «کنگره ملی» به مجاهدان حزب ما تحت عنوان «توده ایهای بیوطن» تاخته وحوادثی را که مایل بوده بشکل ادعائی و دلبخواه بفعالیت این باصطلاح «توده ایهای بیوطن» مربوط ساخته است.

گویندگان رادیو ایران نیز بشیوهٔ شاه، مبارزان حزب مارا «بیوطن»، «تجزیه طلب» و «خائن» خواندند و بدانجا رسیدند که گفتند که اصلا آنها ایرانی هم نیستند! روشن است که در این اظهارات ادعا، دشنام و دروغ جای استدلال منطقی، اسناد تاریخی و مناظرهٔ سیاسی از روی فرهنگ و نزاکت را میگیرد و در واقع نیز ازسخنگویان رژیمی که به خونخواری و شکنجه گری در سراسر جهان شهرت یافته است انتظار روشی جز این خطاست.

علت این حملات مکرر و مستمر سخنگویان مرتجعترین محافل هیئت حاکمه ایران به حزب ما چیست؟ علت اساسی سراسیمگی آنها از تحول وضع است که آنرا با انتظارات و اوهام خویش منطبق نمی یابند. در واقع تحول وضع جهان یعنی قوت روزافزون اردوگاه صلح و سوسیالیسم ورشد وگسترش بیسابقه جنبشهای انقلابی و رهائی بخش درپنج قاره جهان و شکست استراتژی جنگ سرد و تشدید بیسابقه تناقضات درونی کشور های امپریالیستی و نیز تحول وضع منطقه و بسط نهضت مترقی در کشور های مجاور ایران همراه با تحول وضع ایران و ناکامی رژیم برای جلب مردم ایران همه و همه در آن جهتی نیست که برای سران رژیم تسلی بخش و امید انگیز باشد.

در این میانه وضع حزب ما و پایداری او علیرغم همهٔ دشواریها واستواریش درنبرد، سران رژیم را نگران میکند. آنها بار ها این حزب را منحل شده و نابود شده اعلام داشتند و تصور میکردند که با بازیهای سیاسی مختلف سرانجام خواهند توانست این حزب را منفرد کنند و او را برای ابد به بایگانی تاریخ بسپرند. حال با تحیر و تأسف مشاهده میکنند که چنین تصوراتی باطل از آب درآمده است. بویژه آنکه در دوران اخیر، در نتیجه روشن شدن بی سرانجامی روشهای ماوراء چپ و ماجراجویانه، توجه نسبت به صحت مشی اصولی استوار و انقلابی حزب توده ایران در میان زحمتکشان کشور و دیگر قشر های جامعه ایران بیش از پیش در کار پدید شدن است. شعار های درست حزب ما که حاکی از سرسختی اصولی و انقلابی او همراه با نرمش واقع بینانه است بتدریج دامنهٔ نفوذ عمیقتری کسب میکند. این عامل مهمی است که بر نگرانی مرتجعترین محافل هیئت حاکمه میافزاید و آینده را جز آنطور که برای خود ترسیم میکرده اند، در نظرشان مجسم میکند. ما این حملات خشن و زننده شاه و دستگاههای تبلیغاتی او را به حزب، اعتراف صریح به نیروی معنوی حزب ما، تأثیر روز افزون سیاست و فعالیت و صحت مشی انقلابی اش میدانیم.

حملات مرتجعترین محافل هیئت حاکمه به حزب توده ایران در عین حال پرده دودی است برای مستور ساختن آن اقدامات دولت در عرصه سیاست اقتصادی، خارجی وداخلی، که از دیده مردم ایران محکوم است ووسیله ایست برای منحرف کردن نظر مردم ایران از مسائل حاد و مبرم اساسی. از آنجمله در این ایام که باز یك خرید دو میلیارد وصد میلیون دلاری اسلحه از امریکا انجام میگیرد وقرار است سیصد کارشناس نظامی امریکائی برای تعلیم این اسلحه بایران بیایند، چنین سرو صداهائی وسیله‌ای است برای باصطلاح توجیه سیاست غیر قابل توجیه نظامیگری بی‌بند و بار رژیم وغارت ثروت ملی ما. بجای آنکه دشمن اصلی خلق ما یعنی امپریالیسم غارتگر و استارتگر افشاء شود و آماج مبارزه قرار گیرد، بجای آنکه مسائل و معضلات واقعی جامعه ایران مطرح شود، باایجاد شبح وحشتناك از حزب تودهٔ ایران میخواهندافکار رامشوب کنند.

حزب ما مدتهاست که بوسیله مطبوعات و نشریات ورادیوی خود (رادیوی پیك ایران) خط مشی ملی و دموکراتیك خود را درقبال مشی ضد خلقی وضد دموکراتیك رژیم ایران عرضه میدارد.

حرف حسابی ما چیست وما چه میگوئیم که چنین مورد تاخت و تاز نیروهای ارتجاعی قرار میگیریم؟

ما میگوئیم دست امپریالیسم باید از ایران کوتاه شود، قانون ملی کردن صنایع نفت باید تمام و کمال اجراء گردد و دست غارتگر کنسرسیوم از منابع عظیم این ثروت مهم ملی ما کوتاه شود و درآمد نفت صرف ترقی اقتصادی وفرهنگی کشور شود، نه صرف خرید های جنون آمیز تسلیحاتی. ما میگوئیم ایران باید از پیمان تجاوزکارانه سنتو خارج گردد. قرار داد های نا برابر و اسارت آور نظامی و اقتصادی با امپریالیستهای امریکا و انگلیس را لغو کند و سیاست صلح آمیز و همزیستی و دوستی وهمکاری با همهٔ کشورها، و سیاست بیطرفی را در پیش گیرد و روابط ایران با کشور های سوسیالیستی که خود هیئت حاکمه ایران به ثمر بخشی آن بار ها اعتراف کرده است بیش از پیش بسط یابد. تنها چنین سیاستی است که میتوان آنرا ملی و مستقل نامید. ما مخالفیم که کشور ما از سوئی ارز خود را دستخوش تاراج امپریالیستها میکند و ازسوی دیگر وامهای اسارت آور میگیرد و میدان سرمایه گذاریهای غارتگرانه امپریالیستی را باز میگذارد.

ما میگوئیم در کشور ما باید آزادیها و حقوق دموکراتیك طبق قانون اساسی استقرار یابد و به استبداد و تسلط ساواك و دادگاههای دربسته نظامی وشکنجه واعدام و تضییقات بی‌بندو بار پایان داده شود.

ما میگوئیم درایران بایداصلاح ارضی رادیکال بسود دهقانان عملی شود. ازاستثمار شدید سرمایه‌داران خارجی و داخلی وغارتگری آنها و حکومت بیرحمانه پول و امتیاز و فشار دستگاه بورو کراتیك دولت جلو گیری بعمل آید و وضع زحمتکشان بویژه کارگران و دهقانان از جهت مزد، مسکن، بهداشت، تحصیل، کار، استراحت بهبود اساسی یابد و حق همه خلقهای ایران برای اداره خود مختارانه امور خود در چار چوب میهن واحد تامین گردد.

آیا این شعارهای صحیح و عادلانه و موافق مصالح مردم ایران ومقتضیات تاریخ و مطالبات تکامل جامعه ایران هست یا نه؟ بدون شك آری. ولی اعلام همین شعارهای حق و عادلانه که از همان آغاز تأسیس حزب توده ایران در دستور مبارزه او قرار گرفت، کین حیوانی و بی‌پایان امپریالیسم و ارتجاع را متوجه ما ساخت. این کین خاموش‌نشدنی کماکان ادامه دارد.

هیئت حاکمه ایران در سالهای اخیر مجبور شد در قبال برخی از این شعارها که خواست مردم ایران است به بعضی از عقب‌نشینیهای محدود دست‌بزند. این عقب‌نشینیهای محدود اعتراف به صحت وعدالت خواستهای حزب ما و مردم ایران است. ولی این‌عقب‌نشینیهای محدود بهیچوجه پاسخگوی مطالبات حقه مردم نیست و لذا مبارزه مردم قطع نشده و قطع نخواهد شد. هیئت حاکمه احساس میکند که در دوران ما شعار های عادلانه حزب ما که منطبق با خواستهای اکثریت مطلق اهالی کشور ماست بی‌امان راه‌خویش را به پیش میگشاید و روز بروز امکان تحقق این شعارها بیشترمیشود. هیئت حاکمه‌علی‌رغم ثروت و قدرت کنونی، ارتش، ساواك، زرق وبرق قرون وسطائی انبوه چاپلوسان و بردگان‌در درون خود احساس ضعف‌ویأس میکند و با اضطراب به آینده مینگرد. سخنرانی شاه در دانشکده پدافند ملی درباره تبدیل ایران به «سر زمین سوخته» خود تظاهر این نگرانی و سراسیمگی است. بر عکس ما و همه مبارزان راه حق، با همه ناکامیها که متحمل شده‌ایم و باهمه دشواریهای گوناگون که با آنها مواجه هستیم در درون خود احساس قوت و امید میکنیم و با اطمینان به آینده مینگریم. از جهت همین دید تاریخی است که هیئت حاکمه با همه هیاهو و دشنام دهی و نعره کشی خود پدیده‌ای است محکوم و از این محکومیت‌او راه گریزی نیست.

مردم ایران و مردم جهان رژیمهائی از نوع رژیم کنونی ایران را خوب میشناسند و وقتی مسئله بر سر قضاوت بین‌انقلابیون یك کشور و مرتجعان شکنجه گر و همکار امپریالیسم باشد، موضوع روشن است که بیوطن و خائن کیست و نیازی نیست که ما در این باره احتجاجی بکنیم و ابداً نگران نیستیم که دشنام گوئی رژیم شناخته شده‌ای، ذهن کسی را مشوب کند. بعلاوه تکامل حوادث در جهان بیش از پیش عناصر ماوراء ارتجاعی را منفرد میسازد و برای خط مشی هائی که مبتنی‌بردرك بیشتر واقعیتهای عصر است میدان پیشرفت ایجاد میکند. ما مطمئنیم که عناصر واقع‌بین تر در طبقات حاکمه ایران نیز بی سر انجام بودن روشهائی از این قبیل را که از کینه حیوانی و قضاوتهای سیاه ماوراء ارتجاعی سرچشمه میگیرد درك میکنند. ما مطمئنیم که چنین روشهائی در جهان ما سرانجامی جز شکست ندارند.

حملات کین‌جویانه هیئت حاکمه به‌حزب ما در عین حال بهترین پاسخ به آن جمله پردازان ماوراء چپ مائوئیست است که مایلند حزب ما را به سازش با رژیم متهم کنند. واقعیات این اتهام رذیلانه را بارها رد کرده و رد میکند، ولی ما مطمئنیم که چپ روها علی رغم این واقعیات این اتهام را باز تکرار خواهند کرد زیرا تنها سرمایه این دکان ورشکست چپ گرائی همین است که کشورهای سوسیالیستی را به «امپریالیسم» و احزاب مارکسیستی - لنینیستی را به «رویزیونیسم» متهم کنند! تمام وجود و زندگی آنها بهمین دروغهای زشت بسته‌است و البته این‌خود، زندگی بس حقیرانه وناپاکی است ولی این گناه ما نیست که کسانی‌چنین زندگی را بر خود پسندیده‌اند.

توده‌ایها باسری افراخته در جاده‌تاریخ پیش میروند. آنها به مشکلات عظیم کار در حال و آینده واقفند، از گذشته پرحوادث پند میگیرند و بحال و آینده که کمتر از گذشته پر حادثه و بغرنج نیست با واقع بینی انقلابی بر خورد میکنند و در جاده خط مشی اصولی خود بی تزلزل و استوار پیش‌میروند و به پیروزی نهائی آرمانهای خود بیش از همیشه باور دارند.

هیئت تحریریهٔ ماهنامهٔ مردم هشتم مارس، جشن جهانی زنان و روز مبارزهٔ زنان سراسر گیتی را بخاطر برابری حقوق، آزادی و استقلال میهن به زنان و دختران ایران صمیمانه شادباش میگوید و پیروزی نهائی آنان را در مبارزه برای برابری واقعی و رهائی کشور از تسلط شوم امپریالیسم و ارتجاع آرزومند است.

با این آدرس با رادیو پیك ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین‌المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden